

اسناد افشا میکند

تحلیل خبری

۵ اگست ۲۰۱۰

گفته می شود که نخستین قربانی جنگ حقیقت است. ولی حقیقت را نمیتوان تا ابد پنهان نمود. اینک حتی قبل از آنکه جنگ امریکا و شرکاً در افغانستان به پایان برسد، برخی حقایق مهم که تاکنون از انظار عامه پنهان گردیده بود افشا میگردد. در هفته گذشته، ده ها هزار سند محرم مربوط به منابع نظامی امریکا توسط سازمانی بنام «ویکی لیکس» از طریق اینترنت پخش گردید و به تعقیب آن رسانه ها و مطبوعات معتبر غربی محتویات اسناد یاد شده را وسیعاً انتشار دادند. این اسناد پرده از روی برخی حقایق مربوط به جنگ افغانستان برمیدارد. چهره کامل و واقعی جنگ خیلی کریهتر و خشن تر از آنست که در اسناد یاد شده ترسیم گردیده است.

این افشاگرها حکومت اوپاما را درموقف دفاعی قرار داده است و شک و تردید کنگره و مردم ایالات متحده امریکا را درمورد دور نمای جنگ افغانستان بیش از پیش افزایش بخشیده است. سناتور جان کیری (از حزب دموکرات)، که زمانی از حامیان پروپاقرص جنگ افغانستان بود، گفته است که این اسناد «سوالات جدی را در رابطه با واقعیت سیاست امریکا در افغانستان و پاکستان مطرح نموده است» سناتور رس فینگولد گفته است که افشای اسناد «روشن ساخت که جنگ افغانستان حل نظامی ندارد» مجله تایم، پس از آنکه صریحاً جنگ افغانستان را با جنگ ویتنام مورد مقایسه قرار میدهد، می نویسد که افشای این اسناد بیانگر آنست که «اوضاع افغانستان تا چه اندازه وخیم است».

اسناد افشا شده، که حاوی بیش از ۹۱ هزار گزارش از رویدادهای روزمره جنگ در سالهای بین (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹) در افغانستان است، به روشنی بیانگر این حقیقت است که امریکا و متحدین ناتوی آن پس از ۹ سال

جنگ و خرج صدها بلیون دالر و متحمل شدن هزاران کشته و زخمی با شرایطی مواجه گردیده اند که در آن طالبان بیش از هر وقت دیگر پس از سال ۲۰۰۱ نیرومند تر شده اند.

در اسناد افشاء شده ستراتیژی نادرست امریکا در افغانستان و پاکستان، مقاومت شدید شورشیان، فساد و بی کفایتی فراگیر در دولت افغانستان، نقض خشن حقوق بشر، به شمول کشتار وحشیانه مردم بیگناه، و نقش منفی پاکستان از جمله عواملی برشمرده شده اند که موانع جدی در برابر پیروزی نظامی امریکا به وجود آورده اند.

کشتار غیر نظامیان

سرا زیرشدن (۳۰ هزار) عسکر اضافی امریکا در افغانستان در سال جاری (که تعداد نیروهای امریکایی مستقر در کشور را به صد هزار می رساند) منتج به تشدید بیسابقه جنگ گردیده است. این امر تلفات مردم غیر نظامی را شدیداً افزایش بخشیده است. بمباردمانهای هوایی وحشیانه جنگنده های امریکایی و ناتو هر روز به تعداد کشته شده گان و معیوبین افراد بیگناه می افزاید، خانه های گلی مردم را ویران میکند و مواشی و زراعت آنان را با خاک یکسان مینماید. تلفات روزمره مردم غیرنظامی اصولاً در رسانه های گروهی گزارش داده نمیشود و حتی مرجعی وجود ندارد که احصائیه این تلفات را بگیرد.

صرفاً برخی از کشتارهای جمعی در مطبوعات امریکایی به طور تصادفی انعکاس می یابد. مثلاً نیویورک تایمز گزارش داد که در (ماه اگست ۲۰۰۸) در قریه عزیزآباد در غرب کشور (۹۲) نفر، اعم از زنان و کودکان، به قتل رسیدند. در (ماه می ۲۰۰۹)، در اثر بمباردمان دیگری (۱۴۷) نفر به قتل رسیدند. در ماه گذشته در اثر حمله های راکتی قوای ناتو (۵۲) نفر در ولایت هلمند کشته شدند و دو روز بعد از آن در اثر راننده گی بی باکانه قوای ناتو در کابل (۴) تن از شهریان کابل در زیر ماشینهای محاربوی خورد و خمیر شدند که تظاهرات وسیع مردم کابل را در هفته گذشته بدنبال داشت. جولیان اسانژ، بنیانگذار «ویکی لیکس» گفته است که او از لابلائی اسناد افشاء شده شواهد «جنايات جنگی» را میبیند.

کشتارهای هد فگیرانه

تلفات طالبان و دیگر گروه‌های شامل در جنگ مقاومت نه تنها در اثر نبردهای رو در روی جنگجویان با قوای پیاده و توپچی ناتو بل که در اثر بمبارانهای هوایی جنگنده ها و طیاره های بی پیلوت امریکای و نیز در اثر عملیات کوماندویی قوای مخصوص امریکایی نیز به طور قابل ملاحظه افزایش یافته است. برطبق گزارش مطبوعات امریکایی، در حدود (۷۰۰) فروند طیاره های بی پیلوت (که توسط آلات ریموت کنترل از قلمرو امریکا به کار انداخته می شوند) پروازهای اکتشافی و عملیات ترور انفرادی و کشتار جمعی را به طور (۲۴) ساعته در فضای افغانستان و مناطق نوار مرزی افغانستان و پاکستان انجام میدهند. همچنان، واحدهای کوماندویی مخفی از قبیل نیروی ضربتی شماره (۳۷۳) (گروههای اوپراتیفی مخصوص اردو و بحریه امریکا) و نیز واحدهای عملیات شبه نظامی سی - آی ای فعالیتهای خود را به منظور کشتارهای هد فگیرانه توسعه بخشیده اند. این واحدهای کوماندویی، گروههای شبه نظامی و طیاره های بی پیلوت از روی لیست «بگپرو بکش»، که شامل در حدود (۷۰) قوماندان برجسته شورشیان است، مأموریتهای مرگبار خود را انجام میدهند. در هر یک از این عملیات تعداد نا معلوم افراد ملکی به قتل میرسند. ناظران مستقل امریکایی این کشتارهای هد فگیرانه را تروریزم می شمارند و آن را مغایر با کنوانسیون بین المللی ژنیو میداند.

فساد و بی کفایتی در دولت افغانستان

اسناد افشا شده حاوی اطلاعات فراوان در مورد فساد و بی کفایتی بی سابقه در دولت کنونی افغانستان است که برهیچکس پوشیده نیست. در این رابطه باید گفت که اولاً دولت کنونی افغانستان خود محصول تهاجم نظامی امریکا است. در حقیقت این امریکا بود که جنگسالارها، جنایتکاران جنگی، دزدان، مافیای موادمخدر و رهبران و فعالین بدنام مجاهدین را در دولت کرسی جا به جا کردند و آن را برکشورتحمیل نمودند. ثانیاً، سیاست افغانی امریکا خود فساد و سوء استفاده را درد ستگاه دولت و سبباً تشویق و ترویج مینماید. برهمه گان روشن است که در فساد اداری کشور نه تنها متحدین افغانی امریکا بل که صدها (NGO) های غربی مستقر در کشور نیز شامل اند. بر طبق آمار رسمی حکومت افغانستان، در حدود (۸۰)

درصد) کمکهای جامعه جهانی، که به نام افغانستان جمع آوری میگردد، به حساب (NGO) ها انتقال داده می شود. این سازمانها کمتر از (۲۰ درصد) این مقدار را خرج پروژه های اکثراً غیرانتفاعی می نمایند و بقیه را تحت عناوین مختلف «مصارف» مجدداً به کشورهای غربی انتقال میدهند.

استفاده از راکتهای حرارت یاب توسط طالبان

اسناد افشا شده حاکی از آنست که اخیراً طالبان راکتهای حرارتیاب زمین به هوا را برضد طیاره های ناتو مورد استفاده قرار داده اند. متخصصین غربی معتقداند که این اسلحه شامل میزایلهای ستنگر امریکایی و بلوپایپ انگلیسی است که غرب در دهه هشتاد قرن گذشته در اختیار گروههای مجاهدین افغانی در جنگ آنها برضد قوای نظامی شوروی در افغانستان قرار داده بود. گفته میشود که در دوران جنگ سرد ده ها هزار فیر راکتهای حرارت یاب در میان گروههای مجاهدین، به خصوص گروههای بنیادگرا، که بیشتر مورد اعتماد غرب و پاکستان بودند، توزیع گردیده است. لاس انجلس تایمز مؤرخ (۹ جولای) گزارش میدهد که پس از خروج عساکر شوروی از افغانستان مقامهای امریکایی در حدود (۲۸۰۰۰) فیر از راکتهای باقیمانده را باز خرید نمود ه اند. ولی تعداد قابل ملاحظه آنها هنوز هم در رمغاره های زیرزمینی مجاهدین واقع در قلمروهای افغانستان و پاکستان و نیز در زراد خانه های نظامی پاکستان باقی مانده اند. علاوه بر آن، چنین سلاحها را به آسانی میتوان از بازار سیاه بدست آورد.

با این که مقامات امریکایی استعمال راکتهای یاد شده را رسماً تایید نه نموده اند و سعی میورزند این مطلب رامسکوت بگذارند یا آن را کم اهمیت جلوه دهند، ولی این مسأله مورد تشویش جدی مقامهای امریکایی و متحدین ناتوی آن گردیده است، زیرا همین راکتها بود که تفوق هوایی شوروی در فضای افغانستان را درهم شکست.

نقش منفی پاکستان

از آن جائیکه پاکستان در جنگ افغانستان وسیعاً زیدخل است، اسناد افشا شده حاوی حقایق فراوان درمورد نقش آنکشور در افغانستان میباشد. علی الرغم مساعی دپلوماتیک همه جانبه وسرازیر ساختن بلیونها د

الرمکهای نظامی و غیرنظامی به پاکستان، امریکا تاکنون نتوانسته است زمامداران آنکشور را وادار نماید تا پناهگاههای مصئون، پایگاهها و مراکز قومانده و کنترل شورشیان افغانی مستقر در قلمرو پاکستان را برچیند، رفت و آمدهای آزادانه جنگجویان واکمالات روزمره جنگ افزارهای شورشیان در امتداد مرزهای افغانستان - پاکستان را ببندد و یا حداقل به همکاریهای تنگاتنگ بین شورشیان و نظامیان پاکستانی خاتمه بخشد.

در اسناد افشاء شده و نیز در رسانه های جمعی غرب بعضی اوقات از اشخاص انفرادی و افسران باز نشسته (آی-اس-آی) و دستگاه نظامی پاکستان از قبیل نصیرالله بابر، حمیدگل و غیره به حیث همکاران طالبان نام برده می شود که در افکار عامه چنین القا می کند که گویا صرفاً عده ای از افراد جسته-گریخته پاکستانی با شورشیان افغانی «همدردی» می نمایند. ولی حقیقت اینست که تهیه پناهگاههای مصئون برای شورشیان افغانی و حامیان القا عده آنان، به شمول بن لادن و همکاران او، در قلمرو پاکستان و تربیه، تجهیز و سوق و اداره شبکه های تروریستی بنیادگرایان اسلامی عرب و عجم، از جمله گروههای شورشی متعدد افغانی، اعم از طالبان، حزب اسلامی و گروه حقانی، از سیاستهای رسمی درجه یک حکومت پاکستان به شمار میروند.

اکنون نزدیک به چهل سال میشود که زمامداران پاکستانی از جنگهای پی در پی افغانستان به حیث گاو شیری استفاده مینمایند. در دوران جنگ سرد، زمانی که در دهه هشتاد قرن گذشته جنگ ابرقدرتهای شوروی و امریکا در افغانستان جریان داشت، پاکستان به مثابه پناهگاه مهاجرین و مجاهدین افغانی کمکهای سخاوتمندانه کشورهای غربی، دول عربی، چین و دیگران را دریا فت نمود، اردو و قوای مسلح نیرومند شش صد هزار نفری خود را با پیشرفته ترین سلاحها و تجهیزات نظامی مجهز نمود.

مهمتر از همه اینکه در سایه جنگ افغانستان در دهه هشتاد قرن گذشته بود که پاکستان توانست به سلاح اتمی دست یابد. در آن زمان، که پاکستان موقف کشوری واقع در خط مقدم مقاومت در برابر توسعه جویی امپراتوری شوروی را دریافت نموده بود، نظامیان پاکستانی با زرنگی خاص از اوضاع استفاده نمودند و در همان بحبوحه جنگ افغانستان برنامه تولید سلاح اتمی را روی دست گرفتند. ایالات متحده امریکا و

متحدین غربی آن، بنابراین اهمیت حیاتی اینکه پاکستان در جنگ سرد جهانی آنها بر ضد شوروی داشت، پروگرام تولید سلاح اتمی پاکستان را اغماض نموده آن را نادیده گرفتند و از روند تولید سلاح هسته‌ی آن کشور بر طبق معاهده جهانی منع انتشار سلاح ذروی جلوگیری ننمودند. (کاری که اکنون امریکا و متحدین آن در مورد برنامه اتمی ایران انجام میدهند). اخیراً مقام‌های امریکایی در مورد مسئولیت سلاح‌های اتمی پاکستان و این که مبادا تروریست‌ها به سلاح کشتار جمعی آن کشور دست یابند اظهار تشویش مینمایند، ولی در آن وقت حتی خبر برنامه اتمی پاکستان، که در مرحله ماقبل تولیدی قرار داشت، در مطبوعات انعکاس نیافت چه رسد به جلوگیری از آن.

پاکستان از جنگ کنونی افغانستان نیز استفا ده‌های سرشار نموده و مینماید. زمامداران پاکستانی از یکسو خود را متحد امریکا در جنگ ضد تروریسم جا زده‌اند و از این طریق سالانه بیش از یک بلیون دالر کمک‌های غرب را دریافت مینمایند و از سوی دیگر، گروه‌های تروریستی بنیادگرای اسلامی مستقر در پاکستان و افغانستان را مورد حمایت قرار میدهند. آن‌ها از رهبران و فعالان طالبان پاکستانی که زمامداران آن کشور از آنها احساس خطر مینمایند به کمک امریکا تحت برنامه «بگپرو بکش» از بین برده میشوند، ولی در عین زمان به طالبان و دیگر گروه‌های شورشیان افغانی اجازه داده می‌شود که آزادانه از پایگاه‌های خود واقع در قلمرو پاکستان استفاده نمایند و کشتار افغانها و عساکر امریکایی و متحدین ناتوی آن را سازماندهی نمایند. یکی از اسناد افشاء شده «ویکی لیکس» حاکی از آنست که اخیراً (آی - اس - آی) در حدود یک هزار چرخ موتورسایکل در اختیار شبکه‌های تروریستی گروه حقانی قرار داده است. چه کسی می‌تواند یقین حاصل کند که این موتورسایکلها از همان پولی که پاکستان به عنوان مبارزه بر ضد تروریسم از امریکا دریافت داشته است خریداری نشده است؟

نتیجه گیری

چکیده‌های اسناد فاش شده که مورد بررسی محققان و ژورنالیستان امریکایی قرار گرفته و در رسانه‌های گروهی آن کشور انعکاس یافته است حاکی از آنست که پیروزی امریکا در جنگ افغانستان، که طولانی‌ترین

جنگ در تاریخ آنکشور خوانده شده است، اکنون بعد از نه سال جنگ با شک و تردید جدی و با موانع غیرقابل عبور روبرو گشته است، زیرا:

- ا زیکسو، مخالفت با این جنگ غیرقابل بُرد هم در میان مردم افغانستان و پاکستان و هم در افکار عامه مردمان امریکا و متحدین ناتوی آن روز به روز گسترش مییابد،
- از سوی دیگر، امریکا خود تخم شکست خود در منطقه را سالها قبل بذر نموده است. بُنیادگرایی اسلامی، تروریسم، جهاد اسلامی، القاعده، فرهنگ جنگسالاری، سکتاریسم و دشمنیهای اثنیکی، تولید و قاچاق بیسابقه مواد مخدر، ایجاد مهد و گهواره بُنیادگرایی اسلامی در وجود پاکستان مسلح با سلاح اتمی، همه و همه محصول سیاستها و عملکردهای بی باکانه و نابخردانه واشنگتن در دوران جنگ سرد میباشد.

در واقعیت امر، امریکا (۵۰) سال قبل در افغانستان و پاکستان باد کشت کرده بود و اکنون توفان درو میکند.